

عبدالصمد حیدراف^۱

نخستین نگرانی ایران در خصوص گسترش حوزه مسئولیت ناتو زمانی ظاهر گردید که بالکان و مدیترانه در زمره حوزه منافع ویژه در قالب مفهوم استراتژیک ناتو قرار گرفت. امضای برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو با کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و نیز کشورهای CIS به عنوان گسترش حوزه علایق پیمان به سوی شرق قلمداد گردیده است. اصل عمده ای که ایران در رویکردهای خود نسبت به حل مسایل منطقه در نظر گرفته، دربرگیرنده حل این مسایل توسط کشورهای منطقه و بدون دخالت نیروهای خارجی است. این اصل زمینه نگرش ایران به مسایل امنیتی خلیج فارس، دریای خزر و آسیای مرکزی را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: ناتو، مسایل امنیتی خلیج فارس، ایران، گفتمان انتقادی، پیمان ورشو، کشورهای CIS، قفقاز، توسعه فرهنگی

از زمان تشکیل جمهوری اسلامی ایران، روابط این کشور با کشورهای غربی و ساختارهای منطقه ای آنها، چندان مطلوب نبوده است. علاوه بر آن، روابط دیپلماتیک با امریکا قطع شده و «گفتمان انتقادی» با اکثریت کشورهای اروپای غربی در پایان دهه ۱۹۹۰ جای خود را به تماسهای محدود میان روسای بخشهایی از وزارت امور خارجه داده است. از سوی تهران ناتو به عنوان بزرگترین بلوک نظامی، به منزله ابزار سیاسی امریکا در اروپا تلقی می گردد.

با فروپاشی شوروی و از میان رفتن پیمان ورشو (رقیب اصلی ناتو)، پیمان آتلانتیک شمالی در تطابق با تغییرات نوین در ژئوپلتیک جهان با مشکل روبرو

۱. دکتر عبدالصمد حیدراف محقق موسسه مطالعات شرقی تاشکند (ازبکستان) است. خلاصه این مقاله در پانزدهمین سمینار سالانه آسیای مرکزی و قفقاز ارائه شده و متن کامل آن برای فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ارسال و توسط آقای سعید نقی زاده به فارسی ترجمه گردیده است.

سردید. در چارچوب مفهوم استراتژیک جدید ناتو که در سال ۱۹۹۱ اتخاذ گردید، تهاجم از سوی شرق و بی ثباتی در اروپا به عنوان منبع بالقوه تهدید تلقی شده است. لذا، آرمان پیمان در تمرکز بر مسایل امنیتی اروپا در خارج از محدوده سنتی حوزه مسئولیت جغرافیایی آن، تجسم یافته است.

نخستین نگرانی ایران در خصوص گسترش حوزه مسئولیت ناتو زمانی ظاهر گردید که اعلام شد بالکان و مدیترانه، حوزه های منافع ویژه در مفهوم استراتژیک ناتو هستند. از دیدگاه تهران، این مناطق به عنوان دروازه ورود به خاورمیانه، منطقه خزر و آسیای مرکزی قلمداد می شوند. مشارکت نیروهای ناتو در بحران سال ۱۹۹۹ یوگسلاوی، صرفاً موید نگرانی تهران از گسترش پیمان بوده است. آیت اله خامنه ای رهبر معظم ایران در سپتامبر ۱۹۹۹ اظهار داشتند که اعمال ناتو به منزله «مشروعیت بخشیدن به شیوه ای جدید در مدیریت بحران است که اساساً به عنوان سابقه ای در پیشامدهای آتی خواهد بود.»^(۱)

امضای برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو با کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و نیز کشورهای CIS، شامل همه دولت‌های قفقاز و آسیای مرکزی، به عنوان گسترش حوزه علایق پیمان به سوی شرق قلمداد گردید. در واقع، فعالیت ناتو تا مرزهای شمالی ایران گسترش یافته و توسعه همکاری فعالانه با دولت های آسیای مرکزی و قفقاز، مورد نگرانی عمده تهران بوده است.

وظیفه اصلی برنامه مشارکت برای صلح، بر توسعه همکاریهای دو جانبه جهت حفظ ثبات و امنیت در منطقه اروآتلانتیک متمرکز شده؛ به طوری که در اسناد آن نیز مورد تاکید قرار گرفته است: «حمایت و پیشبرد حقوق بشر و آزادیهای اساسی و تامین آزادی، عدالت و صلح از طریق دموکراسی، ارزشهای مشترک و بنیادین مشارکت محسوب می شوند.»^(۲) ولی موضوعات مورد نظر این پیمان در واقع تلاشی جهت اشاعه ارزشهای غربی در کشورهای تازه استقلال یافته بوده است. توسعه همکاری ناتو با بسیاری از کشورهای قفقاز، مانند آذربایجان، دلیل اصلی حمایت تهران از ارمنستان به جای باکو در کشمکش بر سر ناگورنو قره باغ است. این امر موید نگرانی فزاینده ایران نسبت به امنیت خود و نارضایتی از تقویت ناتو در منطقه خزر و آسیای مرکزی است که شمال ایران را در بر می گیرد.

تصمیم اصلی در خصوص گسترش اولیه ناتو در سال ۱۹۹۶ مورد توافق قرار گرفت. در آوریل ۱۹۹۹ تایید مفهوم جدید ناتو، به گسترش و تغییر شکل آن منجر گردید. کانون توجه عمده از دفاع دسته جمعی به امور حل بحران، تقویت فعالیت سیاسی به وسیله ترفیع دموکراسی و توسعه حوزه های رسمی مسئولیت همراه با ابعاد سازمان تغییر یافت. در جریان موج نخست گسترش ناتو در سال ۱۹۹۹؛ مجارستان، لهستان و جمهوری چک به عضویت آن درآمدند. در سال ۲۰۰۴ و در موج دوم، هفت کشور دیگر شامل بلغارستان، رومانی، اسلواکی، اسلوانی، لتویا، لیتوانی و استونی عضو ناتو شدند. گسترش ناتو به سمت شرق، دید منفی روسیه را در پی داشت. ایران طی تماسهای متعددی با روسیه، همواره بر نارضایتی خود نسبت به توسعه ناتو به سوی شرق، تاکید داشته است.

تقویت یافتن عامل تهدیدات غیررسمی، به ویژه تروریسم در مفهوم استراتژیک ناتو در سال ۱۹۹۹ مورد تایید قرار گرفت و تروریسم به عنوان یکی از خطرات امنیتی برای اتحادیه آتلانتیک شمالی، ملحوظ نظر قرار گرفت. در واکنش به رویدادهای ۱۱ سپتامبر، ناتو مبارزه فعالی را علیه تروریسم آغاز نمود که برای نخستین بار با عملیات نظامی در خارج از اروپا همراه گردید. به موجب ماده ۵ پیمان واشنگتن (مقررات مربوط به دفاع دسته جمعی اتحادیه آتلانتیک شمالی)، ناتو نخستین عملیات ضدتروریستی خود را علیه طالبان و القاعده در افغانستان آغاز نمود.

واکنشهای اولیه ناتو به رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و عملیات نظامی فعالانه در خارج از حوزه های رسمی مسئولیت آن، در پی توافق به عمل آمده در ملاقات وزرای امور خارجه کشورهای عضو ناتو در ماه مه ۲۰۰۲ در ریکیاویک، تحرک بیشتری یافت. به موجب این توافق، ناتو در هر زمان و یا مکانی که ضرورت مبارزه با تروریسم وجود داشته باشد، وارد عمل خواهد شد.^(۳) این تصمیم بی سابقه، تعریف مرزهای ناتو، یعنی «حوزه های رسمی ناتو» را توسعه داده و شالوده عملیات آتی ناتو در افغانستان و عراق را، ایجاد نمود.

در اوت ۲۰۰۳ ناتو فرماندهی و هماهنگی نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان (ایساف) را که براساس قطعنامه شماره ۱۳۸۶ مورخه ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، تاسیس یافته بود، پذیرفت. ماموریت این نیروها در

ابتدا محدود به کابل بود. قطعنامه شماره ۱۵۱۰ مورخه ۱۳ اکتبر ۲۰۰۳ شورای امنیت، راه را برای نقش وسیع تر نیروهای ایساف برای تضمین امنیت در افغانستان گشود.

عملیات ضدتروریستی در افغانستان مورد حمایت ایران قرار گرفت. رهبر جمهوری اسلامی ایران خواهان مشارکت در یک ائتلاف مشترک ضد تروریستی صرفاً تحت حمایت سازمان ملل متحد گردید. جمهوری اسلامی ایران همچنین اعمال تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را محکوم ساخت. البته بعداً جمهوری اسلامی موضع خود را تکمیل و اعلام داشت که تمام نیروهای خارجی باید پس از شکست طالبان و القاعده آن کشور را ترک کنند. در همان زمان، ایران با ارائه کمکهای ضروری به اتحاد شمال در جلوگیری از حملات به کابل، از آنان حمایت به عمل آورد. از عملیات بشردوستانه در افغانستان نیز حمایت شد. در ابتدای امر، ایران استقرار پایگاههای نظامی امریکا در ازبکستان و قرقیزستان را مورد سوال قرار داد. ایران با توجه به حضور کارشناسان خارجی و از جمله کارشناسان امریکایی، نگران توسعه هر چه بیشتر حضور امریکا در منطقه است.^(۴) ایران اعلامیه مورخ ۵ ژوئیه ۲۰۰۵ کشورهای سازمان همکاری شانگهای (SCO) را که خواهان برچیده شدن پایگاههای امریکا در آسیای مرکزی بود، مثبت ارزیابی نمود. بسته شدن پایگاه نظامی امریکا در ازبکستان در پایان سال ۲۰۰۵ مورد استقبال تهران قرار گرفت.

موضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص حضور نیروهای خارجی در افغانستان، با توجه به انزجار ایران از روش افراطی طالبان در افغانستان توجیه پذیر می باشد. علی رغم این واقعیت که محو طالبان مورد علاقه ایران بوده، ولی قرار گرفتن نیروهای ناتو از جمله نیروهای امریکایی در مجاورت ایران، به عنوان یک تهدید امنیتی توسط تهران تلقی گردید. بنا به گفته کارشناسان ایرانی، «اگر قبل از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حضور امریکا فقط در حوزه های امنیتی جنوب و غرب ایران مشاهده می شد، پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، حضور آنان در حوزه های امنیتی شمال و شرق کشور نیز نمودار گردید. لذا ایران خود را در موقعیتی نامساعدتر نسبت به قبل مشاهده نمود.»^(۵) به نظر این کارشناسان "منطقه به صورت پایگاه جدید امریکا در آمده و در صورت نیاز می تواند علیه ایران به کار رود."^(۶)

سردار رحیم صفوی فرمانده وقت نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک

سخنرانی در سال ۲۰۰۲ تاکید نمود که "طی ۲۰ سال آینده، امریکاییها در نظر دارند ناتو را از ترکیه به عراق، حاشیه خلیج فارس، پاکستان و افغانستان و در نهایت آسیای مرکزی توسعه دهند."^(۷) وی افزود که امریکا در نظر دارد "جای پای نظامی و سیاسی خود را در سه منطقه حساس خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز به منظور کنترل بیشترین منابع انرژی جهان، تحکیم بخشد."^(۸)

در جریان تغییر رژیم صدام حسین در عراق، موضع رسمی ایران مبنی بر مخالفت با حضور نیروهای امریکایی در عراق بود و انتقال همه حاکمیت به عراقیها را پیشنهاد می کرد. آقای کمال خرازی وزیر امور خارجه وقت ایران در خصوص پرسشی پیرامون مداخله نیروهای ناتو برای حل مسایل خاورمیانه در آستانه اجلاس ناتو در استانبول (ژوئن ۲۰۰۴)، زمانی که تقاضای ناتو راجع به عراق^(۹) مورد پذیرش قرار گرفت، نسبت به مداخله ناتو در امور خاورمیانه هشدار داد. وی اظهار داشت: "آغاز به کار اجلاس ناتو در استانبول به لحاظ تصمیماتی که در آن اتخاذ می شود و بر امنیت خاورمیانه تاثیر خواهد داشت، برای ما حائز اهمیت است."^(۱۰) به نظر ایشان، "ناتو یک سازمان اروپایی است و هیچگونه حقی برای مداخله در امور منطقه شرق نزدیک را ندارد."^(۱۱)

در جریان گسترش ناتو، ایران دو جزء ترکیب دهنده آن را به عنوان مبین تهدیدات امنیتی در منطقه، مورد توجه قرار داده است. نخستین مورد، تهدید نظامی به لحاظ حضور نیروهای ناتو در بیشتر بخش های پیرامونی ایران با امکان به کارگیری این نیروها به ویژه در قسمتی از جهان بدون در نظر گرفتن تحریمهای سازمان ملل، است. مورد دوم تهدید فرهنگی - عقیدتی است که به توسعه فرهنگی غرب در مناطق خاورمیانه و نیز آسیای مرکزی و قفقاز دلالت دارد. اصطلاح «ناتوی فرهنگی» در رسانه های ایران به منزله تلاش کشورهای غربی برای پیشبرد ارزشهای خود در جهان اسلام در حوزه های عقیدتی، فرهنگی و آموزشی تلقی می گردد. روی این اصل، در ایران اخیراً توجه خاصی نسبت به چگونگی مقابله با توسعه فرهنگی نشان داده می شود. به ویژه رسانه های عمومی ایران طی سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۷ مقالاتی را در این زمینه با اشاره به سخنان آیت الله خامنه ای رهبر ایران منتشر نموده اند. این مقالات با تمرکز بر توسعه فرهنگی ناتو، تخریب ارزشها و باورهای فرهنگی ملتهای مسلمان را در خاورمیانه و ایران مورد بررسی

فرار می دهند. علاوه بر آن، بنا به گفته مقامات ایرانی، امریکا مشوق انقلابهای رنگین در کشورهای تازه استقلال یافته است که تهران با دید منفی به آنها می نگرد.

برای کاستن از میزان تهدیداتی که در طول چند سال گذشته، به دلیل عدم انجام مذاکره میان سه کشور اتحادیه اروپا (آلمان، فرانسه و انگلیس) و ایران در خصوص برنامه های اتمی ایران، رو به افزایش بوده، تهران استفاده از تضادهای موجود میان کشورهای عضو ناتو را مد نظر قرار داده است. همچنین، ایران با مهارت خود از اختلافات میان امریکا و روسیه بر سر مسایل سیاسی نوین جهان و از جمله بحران شرق نزدیک و عراق و برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی ایران بهره می برد.

اصل عمده ای که ایران در رویکردهای خود نسبت به حل مسایل منطقه در نظر گرفته، دربرگیرنده حل این مسایل توسط کشورهای منطقه بدون دخالت «نیروهای خارجی» است. این اصل، زمینه نگرش ایران به مسایل امنیتی خلیج فارس، دریای خزر و آسیای مرکزی را نشان می دهد. بهر حال، ناکارایی حل مسایل امنیتی منطقه بدون مشارکت سایر قدرتهای جهان، توسط رهبران سیاسی ایران درک شده و در صدد جستجوی راههای مطلوب برای حل مباحث امنیتی خود برآمده اند. همچنین، نبود یک سیستم امنیت منطقه ای موثر در خلیج فارس، سواحل دریای خزر و آسیای مرکزی که ایران تمایل و امکان مشارکت در آن را دارد، موجب ترویج این دیدگاه شده است. بنابراین، یکی از احتمالات مشارکت ایران در یک سازمان منطقه ای بزرگ و قدرتمند بدون نفوذ امریکا است. از این رو، تمایل ایران به عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای؛ که شامل روسیه، جمهوری خلق چین و چهار دولت آسیای مرکزی است؛ کاملاً منطقی به نظر می رسد. عضویت در سازمان همکاری شانگهای همانطور که به نظر تهران می رسد، می تواند امنیت کشور را افزایش داده و در برابر فشار غرب و پیامدهای آن پایداری موفقیت آمیزی داشته باشد.

در عین حال، برخی از کارشناسان ایرانی مایلند سازمان همکاری اقتصادی (ECO) را به عنوان مکانیسم آتی موثر که قادر به حل مسایل امنیتی منطقه است، مورد توجه قرار دهند.^(۱۳) اگرچه وجود تضادهای جدی و ساختاری میان کشورهای عضو اکو در خصوص مباحث اصلی روابط نوین بین المللی، این ایده را غیرمحمتمل ساخته است.

بطور کلی، موضع ایران در خصوص گسترش ناتو و حضور نیروهای این پیمان و از جمله نیروهای امریکایی در کشورهای همسایه، منفی است. معهذایران، امریکا را به عنوان یک قدرت برجسته، دور از ذهن نداشته و فضا را برای مذاکرات احتمالی پیرامون مباحث امنیتی مهم، باز گذاشته است.

به طوری که گفته می شود، ارائه راه حل‌هایی برای مسایل افغانستان و کشمکش عراق، بدون مشارکت ایران مقدور نخواهد بود. چنین درکی در امریکا نیز به صورت متداول درآمد است. لذا این خوش بینی وجود دارد که ایران، امریکا و عراق، کمیته مشترکی را در زمینه امنیت عراق تشکیل دهند که بتواند به صورت مقدمه ای برای گفت و گوهای مستقیم و پرمحتوا میان ایران و کشورهای عضو ناتو، تحت رهبری امریکا در آینده باشد.

پی نوشت ها

1. Tehran's Take on NATO Expansion.
<http://www.globalsecurity.org/wmd/library/news/iran/2002/43251102.htm>.
2. Partnership for Peace: Framework Document <http://www.nato.int/docu/comm./49-95/c940110b.htm>.
3. <http://www.nato.int/issues/terrorism/evolve03-ru.html>.
4. Stephen Blank. How Might Iran's Nuclearization Affect Central Asia? Central Asia, Caucasus Analyst. Wednesday/October 05, 2005.
5. نبی سنبلی، ایران و محیط امنیتی آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۱۵.
- ۶ همان، ص ۱۱۵.
7. Nabi Sonboli. Iran va mohit amniyatiye asiya markazi pas az 11 Septombar. Asiyaye markazi va kavkoz. Shomoreye 37, bahar 1381.P-115.
8. As above source. C-115.
9. Tehran's Take on NATO Expansion.
<http://www.globalsecurity.org/wmd/library/news/iran/2002/43251102.htm>.
10. The same as above.
11. Statement on Iraq Issued by the Heads of State and Government participating in the meeting of the North Atlantic Council in Istanbul on 28 June 2004,
<http://www.nato.int/docu/pr/2004/p04-098e.htm>.
12. Kharrazi preduprejdaet o nedopustimosti vmeshatelst va NATO v dela Blijnego V osrtoka. <http://www.iran.ru/rus/bulletins/politic/2004-25/>
۱۳. نبی سنبلی، ایران و محیط امنیتی آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۱۹-۱۰۹.

14. Kharrazi preduprejdaet o neopasunosti Irana...
V osrtoka. <http://www.iran.ru/rus/bulletins/politic/2004-25/>
15. For more detail, see: Ekspansiya kulturnoy NATO. <http://www.russian.irib.ir> and also: Cultural Inroads Iran Daily Thu, Nov 30, 2006; "Cultural NATO" will Be Confronted. Iran Daily Thu, Mar 01, 2007.
16. Nabi Sonboli. Iran va mohit amniyatiye asiyaye markazi pas az 11 Septombar. Asiyaye markazi va kavkoz. Shomoreye 37, bahar 1381.P-109-119.



شپږشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی